

# ضمانت اجرای کیفی نقض حقوق و آزادی ها در ج.ا.ا: بررسی و نقد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)<sup>۱</sup>

دکترمنوچهر توسلی نائینی<sup>۲</sup>

آرین قاسمی<sup>۳</sup>

## چکیده

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۷۰ بخش تعزیرات، نقض حقوق اساسی شهروندان را مورد جرم‌انگاری قرار داده است و اگرچه بر اساس اصلاحات مقنن در سال ۱۳۸۱ در این قانون تمامی مقامات و مامورین حکومتی مشمول ماده فوق می گردند، اما سیاق نگارشی ماده یاد شده در خصوص جرم موضوع آن قابلیت انعطاف و تفسیر قدرت گرایانه را ایجاد می نماید به نحوی که منظور از مفاهیمی مانند «برخلاف قانون» و «آزادی شخصی افراد ملت» در این ماده امکان برداشت های موردگرا و تبعیض محور در مواجهه با متهم مستظهر به قدرت عمومی رافراهم می نماید.

**واژگان کلیدی:** حقوق و آزادی های عمومی، نقض حقوق و آزادی های عمومی، ضمانت اجرا، ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی

۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۷

۲ استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

۳ دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی (نویسنده مسئول مقاله)

## مقدمه

با ظهور قوانین اساسی مدون و با نهضت دستور گرایی، ثمره مبارزه چندین سده‌ای انسان‌ها برای شناسایی حقوق-شان در متنی مدون و مکتوب جامعه‌ی عمل پوشید. تغییر در نظام حقوقی اما، تاکنون نیز به تغییر در نظام حقیقی نیانجامیده است و صرف شناسایی و درج حقوق و آزادی‌ها در قوانین اساسی، نتوانسته است طبع سرکش قدرت اعم از رسمی و غیررسمی را آرام نماید تا بدین حقوق احترام گذارده و آنها را رعایت نمایند. به همین دلیل است که ضرورت دارد تا برای رعایت آنها ضمانت‌های اجرای مناسب در نظام حقوقی در نظر گرفته شود. در این راستا با توجه به آنکه «در نظام‌های مردم‌سالار و توسعه یافته سیاسی با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش و افول اقتدار مطلق زمامداران، حقوق و آزادی‌های اساسی در راس توقعات اجتماعی قرار می‌گیرند»<sup>۳</sup> بسته به درجه توسعه‌یافتگی و التزام به قواعد دموکراتیک، حکومت‌ها، ابزارها و سازوکارهای لازم را در این رابطه وضع و تقنین نموده‌اند و باز، بسته به همان معیارها، در عمل پای‌بندی به حقوق و آزادی‌های عمومی را در دستور کار قرار داده‌اند. بنابراین و با توجه به ضرورت احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی، بپایه نخواهد بود اگر گفته شود، بنیادی‌ترین کارکرد یک نظام حقوقی، تضمین رعایت این قواعد است.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، اگر چه ضمانت اجرای حقوق و آزادی‌ها در نظام‌های حقوقی، هم مشتمل بر ضمانت‌های غیر حقوقی و مبتنی بر افکار عمومی است و هم شامل ضمانت‌های حقوقی آن می‌شود<sup>۵</sup>، در جنبه حقوقی، گاه، نظام‌های حقوقی دست به اقدام ایجابی زده‌اند، مانند تقنین قوانین مرتبط با تسهیل یا تعیین شیوه اجرا یا احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی و گاه جنبه سلبی را در نظر گرفته‌اند، بدین ترتیب که قانون‌گذار اقدام به وضع مقررات و جرم‌انگاری نقض هر یک از این حقوق و آزادی‌ها بصورت اختصاصی و یا جرم‌انگاری عمومی نقض حقوق و آزادی‌های عمومی می‌نماید. در فرض نخست، موضوع جرم، نقض حق یا آزادی مشخص و خاصی است. برای مثال وقتی قوانین اساسی با دفاع از آزادی شهروندان، از "منع بازداشت خودسرانه" آنها یاد می‌نماید، نقض این حق، در قوانین مشخصاً مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. در فرض دوم، قانون‌گذار علاوه بر مواردی که بطور اختصاصی در مورد حقوق و آزادی‌ها اقدام به جرم‌انگاری

<sup>۳</sup> هاشمی، سید محمد، **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴

<sup>۴</sup> اگر چه به نظر می‌رسد مشروعیت نظام‌های سیاسی و حقوقی مبتنی بر "رضایتی" است که از میزان رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی بطور عام و تمام اشکال آن از جمله حق بر زندگی شایسته و از امنیت غذایی تا امنیت قضایی حاصل می‌شود.

<sup>۵</sup> خصوصاً تاثیر افکار عمومی در رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی بنگ:

قاسمی، آرین، **حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۲، ص ۸۸ به بعد

نقض آنها نموده است، بطور عمومی نیز با توجه به تنوع و تکرار این آزادی‌ها، نقض حقوق اساسی شهروندان را مورد جرم‌انگاری قرار داده است.

توجه به قوانین مجری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مبین آن است که قانون‌گذار نه تنها اقدام به تقنین در جنبه ایجابی تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی از طریق برخی از قوانین برای مثال قانون مطبوعات و ... نموده است، جنبه سلبی و جلوه‌های آن را نیز مورد توجه قرار داده است. بدین ترتیب، قانون‌گذار، در مواردی، نقض حق اساسی خاصی از شهروندان را بصورت اختصاصی مورد جرم‌انگاری قرار داده است. برای مثال در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، در مواد متعددی از فصل دهم آن قانون که به «تقصیرات مقامات و مامورین دولتی» می‌پردازد، بصورت اختصاصی نقض گونه‌های مختلف حقوق و آزادی‌های عمومی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. به عنوان نمونه، در ماده ۵۷۲ آن قانون، قانون‌گذار، نقض «حق دادخواهی» و یا در ماده ۵۷۵ نقض «حق آزادی و منع بازداشت خودسرانه» را در جهت تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی مورد جرم‌انگاری قرار داده است و در همین قانون نیز در ماده ۵۷۰ نقض حقوق و آزادی‌های عمومی بطور عام را جرم‌انگاری نموده است. بنابراین تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی در این بعد، بر اساس یکی از وظایف قوه قضاییه مندرج بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که عبارتست از «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین» بر عهده این قوه قرار دارد تا از طریق «دادگاه‌های دادگستری... به حفظ حقوق عمومی...» بپردازد. چرا که «امنیت و آزادی به عنوان جز تفکیک‌ناپذیر کرامت و ارزش والای انسانی و اساس و پایه حیات جامعه بشری امر حقیقی است و تامین و تضمین آن در مقابل تجاوزات فردی و اقتدارات حکومتی بر عهده مقام شامخ قاضی بعنوان امینی پارسا قرار دارد».<sup>۶</sup>

بررسی ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بعنوان تضمین کیفری عام حقوق و آزادی‌های عمومی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و نقد آن موضوع پژوهش حاضر است و سوال اساسی تحقیق آن است که جرم موضوع ماده یاد شده «قابلیت ارتکاب بوسیله چه کسانی را دارد و چه حقوقی از شهروندان بوسیله آن قابلیت تضمین کیفری دارد؟» و با این فرضیه‌ها که «تمامی کسانی که از موضع قدرت عمومی عمل و اقدام می‌نمایند در تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌ها می‌توانند مرتکب این جرم شوند» و نیز «بر اساس فلسفه تقنین، نقض تمامی حقوق و آزادی‌های عمومی مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی موضوع این جرم است»، با رویکرد حقوق داخلی و با شیوه تحلیلی-توصیفی و روش گردآوری منابع کتابخانه‌ای به دنبال حل مسئله اساسی تحقیق است. از مسائل اساسی مقاله حاضر آن است که سیاق نگارش ماده ۵۷۰ ق.م.ا به نحوی است که اولاً قابلیت تفسیر موردگرا را ایجاد می‌نماید که در فرض عدم استقلال قاضی و با نگرش تبعیض-گرایانه می‌تواند به براءت متهم مستحضر و مستظهر به قدرت عمومی منجر گردد. این امر خود را در دو بعد نشان می‌دهد. بعد نخست به امکان عدم تسری حدود ماده به «حقوق اساسی در قوانین عادی» بر می‌گردد زیرا قانون‌گذار در ماده یاد

<sup>۶</sup> هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۲۳۹

شده از عبارت «حقوق مقرر در قانون اساسی» استفاده نموده است و در بعد دیگر به تشکیک در حدود حقوق و آزادی‌های مد نظر ماده یاد شده منجر می‌گردد. از یک سو منظور از «آزادی شخصی افراد ملت» برای حقوقدانان، و بطور خاص حقوقدانان عمومی و گفتمان حاکم بر ادبیات علمی این گرایش از دانش حقوق کمی مبهم و ناآشناست و به یاری تفسیر باید منظور از آن را دریافت و از سوی دیگر سیاق نگارش قانون به نحوی است که به سختی قابل تسری به حقوق اساسی اشخاص حقوقی است. در این راستا مقاله حاضر در بخش نخست به عنصر قانونی جرم نقض حقوق اساسی شهروندان می‌پردازد، بخش دوم به وصف خاص مرتکب و دایره شمولی آن پرداخته در بخش سوم موضوع جرم را مورد بررسی قرار می‌دهد و بخش آخر نیز عنصر مادی جرم و گونه‌های آن را بررسی می‌نماید.

#### ۱. عنصر قانونی و پیشینه تاریخی آن

بررسی هر جرم بدو مستلزم شناخت عنصر قانونی آن است، در این راستا مذاقه در قوانین مبین آن است که ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی در مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ به شرح زیر اصلاح گردید: «هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد»<sup>۷</sup>، بنابراین ماده اخیرالذکر امروز در خصوص مجرمینی که به سلب یا محدودسازی حقوق اساسی ملت مبادرت می‌ورزند مجری می‌باشد. ماده یاد شده، اصلاحی جزئی است در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که مقرر می‌داشت «هریک از مقامات و مامورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» با بررسی پیشینه جرم‌انگاری ماده یاد شده می‌توان دریافت که ماده ۵۷۰ ق.م.ا با تغییراتی منبث از ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ بوده است که مقرر می‌داشت «هر یک از وزرا و مقامات و مامورین دولتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آنها داده محروم نمایند از شغل خود منفصل و از ۴ تا ۵ سال از مشاغل دولتی محروم خواهند شد» این ماده نیز به نوبه خود برگرفته از ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ است که مقرر داشته بود «هر یک از اشخاص مذکور در ماده قبل دولت که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب نماید از شغل خود منفصل و از ۵ الی ۱۰ سال از حقوق

<sup>۷</sup> روزنامه رسمی ۱۶۸۸۳ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۹

<sup>۸</sup> هر یک از وزرا و اعضا پارلمان و صاحب منصبان مامورین

اجتماعی محروم خواهد شد». بنابراین عنصر قانونی جرم نقض حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان در نظم حقوق کنونی ماده ۵۷۰ ق.م.ا.اصلاحی ۸۱/۱۰/۱۱ می باشد.

## ۲. وصف خاص مرتکب و دایره شمولی آن

با شناخت عنصر قانونی جرم نقض حقوق اساسی ملت، شناخت دایره شمولی آن ضرورت می یابد. حصول به چنین شناختی از ماده ۵۷۰ مستلزم حصول شناخت نسبت به مفاهیم بکار رفته از ماده فوق از سوی قانون گذار است.

ماده ۵۷۰ پیش از اصلاح از عبارت "مقامات و مامورین دولتی" برای تعیین دایره شمولی و تعیین وصف خاص مرتکب جرم استفاده نموده بود. در این راستا مباحث گسترده‌ای میان حقوقدانان در خصوص معنای دولت در این ماده و نتیجتاً دایره شمولی آن در گرفت. چرا که اگرچه قانون مجازات اسلامی در مواد متعددی از عبارت "دولت" یا "مامور دولتی" استفاده نموده است، اما، «این قانون در خصوص تعریف دولت و ماموران دولتی ساکت است»<sup>۹</sup>. بر مبنای این ابهام عده‌ای از حقوقدانان نظر بر عموم واژه دولت و تسری آن به معنای قوای حاکم داشته‌اند و مانند ابهام در دیگر موارد در خصوص معنای دولت، نظر بر آن داشتند که «اگر دولت را صرفاً به منزله قوه مجریه تلقی نکنیم و آن را به مفهوم عام در نظر داشته باشیم، می‌توان گفت هر شخصی که به خدمت یکی از دستگاه‌های دولتی صرف نظر از عنوان آن مانند وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی، موسسات دولتی، و نهادهای زیر نظر رهبری مانند نیروهای مسلح اشتغال داشته باشد»<sup>۱۰</sup> جزو مقامات و مامورین دولتی به حساب می آید. در مقابل برخی دیگر، از واژه دولت به قوه مجریه اراده معنا می نمودند. بدین ترتیب و با تفسیر اخیر، ماده ۵۷۰ پیش از اصلاح به نحوی تقنین گردیده بود که از سوی مقامات شهرداری و ماموران غیردولتی در معنای قوه مجریه اعم از نیروهای نظامی و حتی انتظامی تحقق نمی یافت. چنین تفسیری که به نظر خلاف فلسفه تقنین ماده یاد شده بود، مقنن را بر آن داشت تا در سال ۱۳۸۱ به اصلاح ماده یاد شده اقدام نماید. بر این اساس قانون گذار که در مواد متعددی از فصل دهم از عباراتی نظیر «ضابطین دادگستری یا ماموران انتظامی»<sup>۱۱</sup>، «مسئولین و مامورین بازداشتگاه ها و ندامتگاه ها»<sup>۱۲</sup>، «مقامات قضایی»<sup>۱۳</sup>، «هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد»<sup>۱۴</sup>، «مستخدمین و مامورین دولتی»<sup>۱۵</sup>، «هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی»<sup>۱۶</sup>،

<sup>۹</sup> زراعت، عباس و صفری، مجید، «مطالعه تطبیقی مفهوم دولت و مامور دولتی در حقوق کیفری»، **آموزه های حقوق کیفری**، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۱،

<sup>۱۰</sup> امامی، محمد و استوار سنگری، کورش، **حقوق اداری**، جلد اول، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱

<sup>۱۱</sup> ماده ۵۷۲ ق.م.ا.

<sup>۱۲</sup> مواد ۵۳۴ و ۵۷۴ ق.م.ا.

<sup>۱۳</sup> ماده ۵۷۵ ق.م.ا.

<sup>۱۴</sup> ماده ۵۷۶ ق.م.ا.

<sup>۱۵</sup> ماده ۵۷۷ ق.م.ا.

<sup>۱۶</sup> ماده ۵۷۸ ق.م.ا.

«هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد»<sup>۱۷</sup>، «صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی»<sup>۱۸</sup>، «هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی»<sup>۱۹</sup>، «هر کس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر از آنها»<sup>۲۰</sup> استفاده نموده بود، با اصلاح ماده ۵۷۰ و تغییر عبارت «مقامات و مامورین دولتی» به «مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی» تلاش نمود تا از ادبیات واژگانی متناسب با فلسفه تقنین ماده استفاده نموده و مشکل سوء تفسیر از اشتراک لفظی واژه دولت میان سه معنا را مرتفع نماید<sup>۲۱</sup>. نتیجتاً با اصلاح ماده فوق به نظر می‌رسد، «مرتکب جرم موضوع این ماده کلیه ماموران وابسته به دستگاه‌های حکومتی، اعم از قوای سه‌گانه، نیروهای نظامی و انتظامی، شهرداری‌ها، موسسات مامور به خدمات عمومی، شرکت‌های دولتی و نظایر آنها می‌باشند که با سوء استفاده از سمت خود مرتکب آن می‌شوند»<sup>۲۲</sup>. به عبارت دیگر، «مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی شامل کسانی است که از سوی دولت دارای حکم رسمی صرف نظر از رابطه استخدامی و نوع آن باشند. لذا هر یک از مامورین دولتی که با استفاده از اختیار دولتی خود آزادی شخصی افراد را سلب نمایند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید»<sup>۲۳</sup> مشمول ماده فوق خواهد بود. چرا که بر این مبنا، در معنای عام دولت که مترادف معنایی با حکومت دارد، مامور حکومتی یا «مامور دولتی شخصی است که از طریق قانونی، به دولت منسوب و ملحق است و... دولت در معنای عام کلمه و شامل تمام نهادها و امور کیفی و لشکری اعم از تولیدی، توزیعی و خدماتی است، بنابراین هم شرکت‌های دولتی و هم دادگاه‌های دادگستری از اجزای دولت تلقی می‌شوند... پس چه شخص مستخدم قوه مجریه باشد و چه هیچ رابطه استخدامی با آن نداشته باشد (مانند اعضای بسیج) چنانچه در راستای حفظ نظم عمومی و مطابق با قانون عهده‌دار انجام خدمات عمومی شده باشد، از نظر حقوق کیفری مامور دولت به شمار می‌آید زیرا به پشتوانه دولت اقدام نموده و مظهري از اراده و فعل دولت می‌باشد»<sup>۲۴</sup>. اگر چه در مقابل گفته شده است «مستخدم دولت را نمی‌توان کسی دانست که به هر شکل ممکن -خواه داوطلبانه و خواه اجباری- با دولت همکاری داشته یا در خدمت دولت بوده باشد. به عنوان مثال نیروهای امدادگر و بسیجی که داوطلبانه با سازمان‌های دولتی همکاری می‌کنند و آن دسته از افرادی که اجباراً خدمت سربازی انجام می‌دهند را نمی‌توان مستخدم دولت دانست»<sup>۲۵</sup>. با این حال، در صورتی که مستخدم به معنای کسی در نظر

<sup>۱۷</sup> ماده ۵۸۰ ق.م.

<sup>۱۸</sup> ماده ۵۸۱ ق.م.

<sup>۱۹</sup> ماده ۵۸۲ ق.م.

<sup>۲۰</sup> ماده ۵۸۳ ق.م.

<sup>۲۱</sup> برای دیدن معانی سه‌گانه دولت در ادبیات حقوق عمومی بنگ: قاضی، ابوالفضل، **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۴، صص ۵۴-۵۵

<sup>۲۲</sup> میرمحمد صادقی، حسین، **جرایم علیه اشخاص**، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۴۹۴

<sup>۲۳</sup> صالحی، جواد و جعفری پور، رحمت الله، «حقوق کیفری در چالش با تعدیات ماموران دولت»، **عدالت آراء**، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص

۱۱۴-۷۸

<sup>۲۴</sup> زراعت، عباس و صفری، مجید، پیشین، صص ۳-۲۲

<sup>۲۵</sup> موسی زاده، رضا، **حقوق اداری**، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹، صص ۱۷۷-۱۷۸

گرفته شود که در "استخدام دولت" است چنین تحلیلی قرین به صحت است اما در صورتی که مستخدم به معنای کسی که در "خدمت دولت" قرار گرفته است، تلقی گردد، خواه در استخدام آن باشد یا نباشد در اینصورت می توان گفت کسانی که بصورت داوطلبانه به همکاری با دولت می پردازند نیز در زمره مشمولان ماده یاد شده قرار دارند.

بنابراین بطور کل، آنچه آن که از ترکیب «وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی» در ماده فوق استنباط می شود، می توان تمامی کسانی که به امر خدمت عمومی اشتغال دارند را در زمره مرتکبین احتمالی جرم موضوع ماده ۵۷۰ دانست. البته اگر چه «اصطلاح مامور به خدمات عمومی... در قوانین موجود ایران به درستی مشخص نشده است»<sup>۲۶</sup> با این وجود «انجام خدمت عمومی به عنوان وظیفه شغلی یا قانونی یا داوطلبانه آنها را در جایگاه حقوقی مشخص قرار می دهد... بنابراین می توان گفت مامورین به خدمت عمومی کسانی هستند که از طریق یکی از سازمان‌های عمومی برای تحقق یک امر یا خدمت عمومی خدمت می کنند اعم از اینکه انجام خدمت عمومی توسط آنها ناشی از انجام وظیفه (شغلی یا قانونی) یا به صورت همکاری باشد»<sup>۲۷</sup> و یا حتی به صورت داوطلبانه و به عنوان همکار اداره.

ضمن آنکه، توجه به ماده فوق نشان می دهد مراد مقنن از بیان «هریک»، دلالت بر اطلاق و عموم دارد و در این خصوص فرقی میان هیچ یک از افرادی که می توانند مرتکب جرم فوق شوند وجود ندارد، بنابراین ماده فوق شامل همه‌ی افرادی می شود که به اقتضای شغل و پست حکومتی و یا وابستگی در زمان انجام امری به حکومت، می توانند «برخلاف قانون آزادی‌های شخصی را سلب کنند... یا (ملت را) از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نمایند». نتیجه اطلاق ماده فوق آن است که در خصوص تسری آن، فرقی میان رده‌های مختلف فرمانروایان یا حکمرانان نیست. استفاده از واژه فرمانروایان یا حکمرانان و وابستگان به حکومت با توجه به تقسیم بندی لئون دوگی<sup>۲۸</sup> در تقسیم جامعه به «فرمانروایان و فرمانبرداران» بخوبی مبین است که با استفاده از آن می توان مرتکبین احتمالی این جرم را تشخیص داد، بنابراین تمامی کسانی که در سطح و طبقه حکمرانان (ولو بصورت داوطلبانه و همکار حکمرانان) در جامعه قرار دارند، بعبارت بهتر از "موضع فرمانروایی یا استفاده از قدرت عمومی" اقدام می نمایند، می توانند مرتکب این جرم شوند، خواه مقام عالی داشته باشند و خواه کارمندی جز باشند و اتفاقاً حکمرانانی که در رده‌های بالاتری قرار دارند راحت تر می توانند اقدام به عنصر مادی جرم اخیرالذکر یعنی سلب یا محدودسازی حقوق مردم نمایند و اساساً اقتضای «اتلاق» و «عموم» همین است که تخصیص و تقيیدی ندارد و دلالت بر همه مصادیق خود می نماید، بنابراین استعمال لفظ «هریک» از سوی مقنن در مقام بیان آن بوده است که استثنایی در نظر نداشته است و ماده شامل تمامی حکمرانان می شود.

<sup>۲۶</sup> امامی، محمد و استوار سنگری، کورش، پیشین، ص ۲۰۳

<sup>۲۷</sup> همان، صص ۲۰۵-۲۰۶

<sup>۲۸</sup> Le'on Duguit

از سوی دیگر، توجه به خود ماده نشان می دهد که مقنن از اصطلاحات «مقامات و مامورین» استفاده نموده است، در مقررات جاری کشور و بر اساس تعیین مقنن در ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ سمت‌های ذیل مقام محسوب می شود: «روسای سه قوه، معاون اول رئیس جمهور و نواب رئیس مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، معاونین رئیس جمهور، استانداران، سفرا و معاونین وزرا» بنابراین، غیر از «مقامات» که به قرینه ماده اخیرالذکر تعیین گردیده اند، به نظر می رسد منظور از «مامورین» تمام مستخدمین دولت در معنای عام کلمات «مستخدم» و «دولت» به غیر از «مقامات» باشد، «با توجه به قید مامورین وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی مرتکب جرم ممکن است از مستخدمین هر یک از دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها... باشد و نوع رابطه استخدامی نیز اهمیت ندارد خواه مرتکب مستخدم قوه مجریه یا قضاییه و یا یکی از نهادهای وابسته به مقام رهبری و غیره باشد بنابراین شامل کلیه مامورینی که با استفاده از قدرت و مقام خود آزادی شخصی افراد را سلب نموده یا آنها را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم می نمایند می گردد. بدیهی است که سلب آزادی شخصی و حقوق اساسی افراد باید بواسطه سوء استفاده از مقام و موقعیت حکومتی صورت گرفته باشد»<sup>۲۹</sup>، بدین معنا تمامی کسانی که به هر نحو بواسطه شغل خود می توانند با حقوق و آزادی‌های مردم ارتباط داشته باشند و آن را محدود یا سلب نمایند مشمول ماده فوق می شوند. قرینه کاربرد «نهادها و دستگاه‌های حکومتی» توسط مقنن نیز مبین همین نظر است که منظور مقنن تمامی حاکمیت به معنای کلی آن بوده است، اعم از قوای مجریه، قضاییه و مقننه و دیگر دستگاه‌های حکومتی به طور عام اعم از نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و ...

صراحت مقنن در تعیین کلیه «مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی» به عنوان مرتکبین احتمالی جرم منجر به پذیرش وصف خاص «مامور دولت» برای مرتکب می شود. بنابراین ماده تسری به غیر کارمندان دولت که ممکن است با استفاده از اعمال نفوذ و یا بهره‌مندی روابط شخصی در دستگاه‌های دولتی اقدام به نقض «حقوق اساسی شهروندان» نمایند نمی گردد و تنها باید نظر به «معاونت» این دسته در جرم یاد شده داشت.

### ۳. موضوع جرم، حقوق شخصی افراد ملت

با بررسی دایره شمولی مرتکب جرم، باید به بررسی موضوع جرم مدنظر ماده ۵۷۰ پرداخت. بر این اساس، با توجه به ادبیات بکار رفته توسط مقنن باید بررسی گردد منظور از «آزادی‌های شخصی افراد ملت» چیست.

در این راستا، مفهوم «آزادی شخصی افراد ملت» اگرچه در بادی امر سهل به نظر می رسد اما در عین حال مفهومی ممتنع نیز هست چرا که بر اساس ادبیات حقوق عمومی در خصوص حقوق اساسی و آزادی‌ها، به نظر مفهومی غیرمصطلح است. مذاقه در تقسیم بندی‌های کلاسیک حقوق و آزادی‌های عمومی مبین آن است که حقوقدانان، این موضوع مورد

<sup>۲۹</sup> شاکری، رضا و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر مهاجر، چاپ هشتم، ۱۳۸۹، ص ۵۷۱



مطالعه و محوری حقوق اساسی و از «عناصر بنیادین مطالعات حقوقی»<sup>۳۰</sup> را به چهار دسته‌ی عمده‌ی آزادی‌های مربوط به اعمال فردی<sup>۳۱</sup>، آزادی اندیشه<sup>۳۲</sup>، آزادی گروه بندی<sup>۳۳</sup> و آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی<sup>۳۴</sup> تقسیم بندی می کنند<sup>۳۵</sup>. بر اساس این تقسیم بندی که به اعتبار و از مقسم «موضوع» است، مفهوم یاد شده در تقسیم بندی اخیر نمی گنجد. افزون بر این، تقسیم بندی دیگری نیز به اعتبار قوام یافتگی حقوق و آزادی‌ها از جهت اعمال "جمعی یا فردی" ارائه گردیده است. از این مقسم، آزادی‌ها به دو دسته فردی و گروهی تقسیم می شوند، آزادی‌های گروهی، دسته‌ای از نسل اول حقوق بشر<sup>۳۶</sup> هستند که از ماهیت حق‌های فردی فراتر می روند و در راستا و امتداد آنها، ماهیتی چند جانبه می یابند و زمانی قابل تصورند که از سوی جمعی از افراد ذی حق در جامعه اعمال گردند یا به تعبیری اساساً «استفاده از آنها بطور جمعی امکان پذیر است»<sup>۳۷</sup> برای مثال آزادی‌هایی مانند آزادی سندیکایی، آزادی تحزب یا آزادی احزاب در واقع زمانی محقق می شوند که اعمال کننده‌ی آنها فراتر از یک نفر باشد زیرا یک فرد به تنهایی نمی تواند حزب باشد<sup>۳۸</sup>. آنچنان که دیده می شود، مفهوم بکار رفته توسط مقنن در ماده ۵۷۰ در این تقسیم بندی نیز نمی گنجد. آنچه از مفهوم یاد شده استنباط می گردد آنکه، از یک سو می توان استنباط نمود، منظور صرفاً آزادی‌های فردی باشد و ماده شامل آزادی‌های گروهی نگردد، که چنین استنباطی مبتنی بر واژه «شخصی» در ماده یاد شده است. اما از سوی دیگر می توان تحلیل کرد منظور از عبارت اخیر در ماده فوق «حقوق مقرر در قانون اساسی در فصل سوم قانون مزبور تحت عنوان حقوق افراد ملت مجموعاً شامل ۲۶ اصل راجع به حقوق مدنی و سیاسی»<sup>۳۹</sup> باشد یعنی «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در فصل سوم مشتمل بر اصول نوزدهم الی چهل و دوم تحت عنوان حقوق ملت، آزادی‌ها و حقوقی را برای مردم مقرر کرده است. مثل حق دادخواهی، حق داشتن تابعیت، حق آزادی بیان و عقیده، حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی، حق داشتن شغل، حق اقامت در محل مورد علاقه و نظایر آنها. مسئولان دولتی موظف به رعایت این حقوق و آزادی‌های برای مردم می باشند»<sup>۴۰</sup>. تحلیل اخیر قرین به صحت به نظر می رسد چرا که در عبارت بعدی ماده یاد شده مقنن از عبارت «...حقوق مقرر در قانون اساسی...» استفاده نموده است که قرینه‌ای بر تایید آن است. بعلاوه دلیل و وجه رجحانی وجود ندارد که برخی از حقوق و آزادی‌ها

<sup>۳۰</sup> گرجی از ندریانی، علی اکبر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۸۵

<sup>۳۱</sup> شامل امنیت، آزادی و مصونیت مسکن، تعرض ناپذیری مکاتبات، آزادی رفت و آمد

<sup>۳۲</sup> شامل آزادی عقیده و آئین، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اخبار و اطلاعات، آزادی نمایش

<sup>۳۳</sup> شامل آزادی تجمع و آزادی سازمان پیوندی

<sup>۳۴</sup> شامل مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار و آزادی سندیکایی

<sup>۳۵</sup> بنگک: قاضی، ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳، ص ۵۵۶ به بعد

<sup>۳۶</sup> در خصوص نسل‌های سه گانه حقوق بشر بنگک:

تاموشات، کریستیان، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱، فصل سوم به بعد

<sup>۳۷</sup> عباسی، بیژن، **مبانی حقوق اساسی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۳۶۶

<sup>۳۸</sup> برای آشنایی بیشتر با این دسته آزادی‌ها بنگک: دوفار، ژان، **آزادی‌های گروهی**، ترجمه علی اکبر گرجی از ندریانی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰

<sup>۳۹</sup> گلدوزیان، ایرج، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵

<sup>۴۰</sup> میرمحمد صادقی، حسین، پیشین، ص ۴۹۴

بر برخی دیگر مقدم دانسته شود و مغایر منطق قانون‌گذاری است که برای برخی از آنها ضمانت اجرای عدم نقض در نظر گرفته شود و برای برخی دیگر چنین اقدامی صورت نپذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که «آزادی شخصی افراد ملت» شامل «تمامی انواع حقوق فردی و آزادی‌های فردی و گروهی» و به تصریح عبارت بعدی مقنن شامل تمام «حقوق مندرج در قانون اساسی» باشد هر چند که سیاق نگارش ماده می‌تواند زمینه تفسیر تبعیض محور از این ماده را فراهم آورد.<sup>۴۱</sup>

باید توجه داشت که «آزادی شخصی و حقوق مقرر در قانون اساسی مفاهیم عامی هستند که مصادیق فراوانی را می‌توان برای آنها پیدا کرد و اطلاق این مفاهیم شامل حقوق زیادی می‌شود مانند این که نهادهای نظارتی انتخابات کشوری بدون جهت صلاحیت فردی را رد کرده و او را از عضویت در مجلس مقننه یا شوراها یا نهاد های دیگر محروم نماید»<sup>۴۲</sup> بنابراین، از دیدگاه دکترین حقوق کیفری در کنار رویکرد موسع و آزادی‌گرای حقوق عمومی می‌توان نتیجه گرفت که منظور از «آزادی شخصی» در واقع تمام حقوق و آزادی‌های عمومی‌ای است که برای «افراد ملت» در نظر گرفته شده است و به نظر می‌رسد که این استدلال قرین به صحت و موید به تفسیر به سوی آزادی‌های عمومی و تحدید قدرت است اگر چه چنین رویکردی منافی نظر به قانون‌نویسی مبتنی بر قصور یا تقصیر نیست. هر چند اگر چه به نظر می‌رسد ماده یاد شده تسری بر تمامی گونه‌های حقوق و آزادی‌ها دارد برخی آن را در کنار ماده ۵۷۵ و شامل «توقیف و حبس غیر قانونی» و بدین ترتیب ناظر بر «آزادی تن» می‌دانند.<sup>۴۳</sup>

از سوی دیگر سیاق ناصواب یاد شده در قانون‌نویسی در همین ماده در جلوه دیگری نیز خود می‌نماید چرا که «حقوق اساسی مذکور در قانون اساسی منحصر به اشخاص حقیقی نیست اما ظاهر ماده ۵۷۰ فقط شامل اشخاص حقیقی می‌شود بنابراین اگر کارمند دولت حقوق اساسی اشخاص حقوقی را سلب کند یا محروم نماید شامل این ماده نخواهد بود»<sup>۴۴</sup> برای مثال با توجه به ماده ۱۳ قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ موضوع شکایت گروه های موضوع ماده ۱ تا ۵ آن قانون از کمیسیون ماده ۱۰، اگر به ظاهر ماده ۵۷۰ ق.م.ا. استناد شود باید ناچاراً نظر بر آن داشت که اساساً گروه‌ها اگر از اعضای کمیسیون ماده ۱۰ شکایت نمایند بفرض اثبات، مجازاتی در نظام عدالت کیفری برای مرتکب در نظر گرفته نشده است یعنی «عمل ارتكابی اساساً جرم نیست» و نتیجه صدور حکم به برائت است.<sup>۴۵</sup>

<sup>۴۱</sup> برای مثال ممکن است در پرونده ای خاص و با توجه به امکان وجود تأثیرات سیاسی بر رسیدگی قضایی با استمساک به اصل تفسیر به «سود» متهم، بر برائت متهمی نظر داشت و در پرونده ای دیگر با بهره گیری از قابلیت تفسیر قانونی، از تفسیر به «سوی» متهم استفاده نمود!

<sup>۴۲</sup> زراعت، عباس، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵

<sup>۴۳</sup> بنگک: صالح ولیدی، محمد، **حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص**، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر، چاپ دهم، ۱۳۹۱، ص ۲۸۲

<sup>۴۴</sup> زراعت، عباس، پیشین، ص ۴۱۶

<sup>۴۵</sup> توجه به اینکه به نظر می‌رسد با تصویب قانون فعالیت احزاب اعمال اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد حق بر آزادی تجمع که خصوصاً با توجه به فصل سوم قانون اساسی در زمره «حقوق ملت» قرار دارد، اعمال این حق تنها از طریق گروه ها و احزاب و آنهم مشروط به اجازه پیشینی امکان پذیر است. در این رابطه بنگک:

قاسمی، آری، پیشین، ص ۲۵۳ به بعد

بعلاوه، با توجه به اینکه مقنن از عبارت «آزادی شخصی افراد ملت... (و) ... حقوق مقرر در قانون اساسی...» در ماده فوق استفاده نموده است، در خصوص اینکه ماده به حقوق و آزادی‌های عمومی مندرج در قوانین عادی نیز تسری دارد یا خیر، می‌توان تشکیک نمود. در این رابطه بطور کل می‌توان دو دیدگاه را مطرح ساخت. بر اساس دیدگاه نخست که مبتنی بر این اندیشه است که «قانون اساسی در مقام بیان حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است... اما در این قانون به ذکر کلیات اصول اکتفا می‌شود و تفصیل مطالب و سازماندهی آنها که مشتمل بر قوانین متعدد و مفصلی است بر عهده قانون‌گذار عادی قرار می‌گیرد. با این ترتیب... (قوه مقننه) مسئول وضع قوانینی است که کیفیت اجرای اصول مقرر در قانون اساسی را بر اساس مواد دقیق، تعیین و امر به اجرا می‌کند»<sup>۴۶</sup>، نتیجتاً، حقوق و آزادی‌های مندرج در قوانین عادی منبعث و ناشی از قانون اساسی است. بعبارت بهتر قید قانون اساسی در ماده منافی ضرورت رعایت حقوق مندرج در قوانین عادی نخواهد بود زیرا قوانین عادی تجلی اجرای قانون اساسی هستند. بنابراین، این دسته حقوق و آزادی‌ها نیز در راستای قانون اساسی و به تبع آن است و در رعایت آنها نیز ضرورت وجود دارد لذا مشمول ماده ۵۷۰ ق.م.ا می‌گردد چرا که بر اساس منطق حقوقی و «بر اساس اصل حاکمیت قانون که لازمه تحقق مردم‌سالاری است نهادهای قانون‌گذار در بالاترین سطح سلسله مراتب سازمان‌های عمومی قرار دارند. در این خصوص قانون اساسی دستور قوه موسسان و قانون عادی حاصل کار قوه مقننه است که هر یک در مقام قانون‌گذاری در زمینه‌های مختلف، همچنین به بیان و سازماندهی اصول لازم‌الاحترام...»<sup>۴۷</sup> حقوق اساسی شهروندان می‌پردازند اما در این میان وظیفه قوه مقننه در شرح و بسط و تسهیل اجرای مقررات مندرج در قانون اساسی متضمن ضرورت تضمین این حقوق می‌باشد که در موضوع بحث، این تضمین در ماده ۵۷۰ مقرر گردیده است. اما از سوی دیگر عده ای از با تاکید بر ظاهر عبارت یاد شده و مبتنی بر اندیشه بعضاً موردگرا و تبعیض محور و با (سوء) استفاده از اصل تفسیر به نفع متهم، در تسری ماده به حقوق مندرج در قوانین عادی تشکیک می‌نمایند.

نکته ای که در پایان این بند باید مورد توجه قرار گیرد آن است که مقنن در ماده یاد شده بیان داشته است «هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند...» مجازات خواهد شد. در خصوص دانش واژه قانون در این ماده دو تحلیل به نظر می‌رسد. نخست آنکه قانون در اینجا اعم از قانون اساسی و قانون عادی در نظر گرفته شود، بدین ترتیب از آنجا که بر اساس اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارض کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند» ماده شامل آن دسته از قانون‌گذار(ی)هایی که آزادی‌های مشروع را به خلاف قانون اساسی با وضع قوانین سلب نماید نیز می‌گردد. اما در صورتی که مراد از قانون در ماده فوق قانون عادی باشد در این صورت باید

<sup>۴۶</sup> هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۱۹۱

<sup>۴۷</sup> همان، ص ۱۸۲

توجه داشت که قانون‌گذار در تقنین نباید قوانین را به نحوی تصویب نماید که قابلیت تفاسیر منعطف و به تعبیری کشدار در مقام اجرا را برای مجری فراهم آورد یا حقوق و آزادی‌ها را سالبه به انتفاع موضوع نماید.

#### ۴. عنصر مادی و گونه های آن

با بررسی دایره شمولی مرتکبین جرم و نیز موضوع آن در ماده ۵۷۰ ق.م.ا اینک باید به عنصر مادی آن پرداخت. به نظر می‌رسد تعدیات مامورین دولت نسبت به شهروندان و در ما نحن فیه، نقض حقوق اساسی آنان، که نخستین گونه از تعدیات مامورین دولتی است «به دو شکل صورت می‌گیرد. *قسم اول تعدیاتی است که ناشی از فعل است و قسم دوم تعدیاتی است که ناشی از ترک فعل است*»<sup>۴۸</sup>.

قسم نخست از عنصر مادی تحقق جرم نقض حقوق اساسی شهروندان، فعل است که خود به دو صورت نقض صریح و طراحی سامانه تحدید و تضییع امکان‌پذیر است. مهم‌ترین جلوه ارتکاب جرم نقض حقوق و آزادی‌های عمومی شهروندان، ارتکاب فعل به طور صریح است. در این فرض، کارگزاران دولتی، با نقض صریح حقوق اساسی شهروندان اقدام به ارتکاب جرم می‌نمایند، بدین ترتیب دسته بسیار گسترده‌ای از حقوق اساسی که متضمن "حمایت" یا حداقل "احترام" از سوی حکومت است می‌تواند مورد نقض صریح قرار می‌گیرد. قوانین بطور عام، خصوصاً قوانین اساسی، دسته گسترده‌ای از حقوق شهروندان را مورد تاکید قرار داده اند که چنین تاکیدی در کنار رویکرد حقوق طبیعی محور به حقوق یاد شده متضمن وظیفه دولت‌ها و کارگزاران آن در صیانت از آن‌هاست. زیرا توجه به فلسفه بنیادین ایجاد نهاد وضعی دولت و مبنای قرارداد اجتماعی و سند میثاق ملی (قانون اساسی)، اقتضای وظیفه دولت بر حفظ و احترام به آزادی‌ها و ایجاد امنیت برای شهروندان را می‌رساند. بعلاوه در یک نظام تحلیلی مبتنی بر تقسیم‌بندی هوفلدی، این قبیل حق‌ها از زمره حق-ادعا<sup>۴۹</sup>

<sup>۴۸</sup> صالحی، جواد و جعفری پور، رحمت الله، پیشین، صص ۷۸-۱۱۴

<sup>۴۹</sup> Clam-Right

(حق-مطالبه) <sup>۵۰</sup> هستند <sup>۵۱</sup> و حق های مطالبه ای «همواره مستلزم تکلیف دیگری است» <sup>۵۲</sup> بدین ترتیب در حالی که کارگزاران دولتی در قبال حقوق یاد شده وظیفه احترام، تسهیل اجرا و ... را دارند می توانند اقدام به نقض آنها به خلاف وظایف و تعهدات خود در سند میثاق ملی نمایند. البته باید توجه داشت که منظور از صریح در اینجا الزاما به معنای عیان یا علنی بودن "فعل نقض" نیست، بلکه در حقیقت عمل ارتكابی ولو مخفیانه انجام شود مستقیما به نقض حقوق شهروندان می-انجامد. برای مثال هنگامی که کارگزاران دولتی اقدام به نقض مصونیت خلوت شهروندان از طریق شنود غیر قانونی می-نمایند، چنین عملی شاید هرگز فاش نشود اما مستقیما یکی از حقوق اساسی شهروندان را مورد نقض قرار می دهد. <sup>۵۳</sup>

صورت دوم از گونه فعل، طراحی سامانه تحدید و تضییع است. بدین ترتیب که نقض حقوق اساسی از طریق فعل، الزاما در مقام اجرا صورت نمی پذیرد. گاهی این نقض از سوی پارلمانها و حتی قوه مجریه <sup>۵۴</sup> انجام می پذیرد. چنین اقدامی می تواند از طریق وضع مقررات و ایجاد سامانه ای نظام مند باشد که بر اساس این سامانه حقوق اساسی شهروندان مورد خدشه قرار گیرد. بارز ترین نمونه چنین اقدامی را می توان در وضع محدودیت های فرا قانون اساسی یا حتی قانون عادی در خصوص شناسایی، اعمال یا تعیین شیوه اعمال حقوق و آزادی ها مشاهده نمود. بدین ترتیب مقامات نهادهای مجاز به وضع قواعد الزام آور، اقدام به نقض قانون، اعم از اساسی یا عادی و وضع <sup>۵۵</sup> محدودیت هایی می نمایند که قوای موسس یا پارلمان آنها را تعیین ننموده بوده است. <sup>۵۶</sup> چنین فعلی بصورت سامانه مند منجر به نقض حقوق اساسی شهروندان می گردد که می تواند از مصادیق جرم نقض حقوق اساسی باشد. باید توجه داشت که «تجاوز از طرف قوه مجریه به آزادی نه تنها یک

---

<sup>۵۰</sup> «حق های مطالبه ای پیوسته در پیوند و هماهنگی با یک وظیفه متقابل هستند. بدین معنی که چون این حقوق در حقیقت ادعای بر غیر است، در مقابل، وظیفه غیر در انجام و اجرای این گونه حقوق خودنمایی می کند به زبان دقیق تر حقوقی می توان گفت که لازمه حق مطالبه وجود وظیفه ای در طرف مقابل است» بنگ:

قاری سید فاطمی، سید محمد، **حقوق بشر در جهان معاصر**، جلد اول، تهران، مرکز چاپ و انتشار دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ص ۲۰

<sup>۵۱</sup> به نظر می رسد حقوق زیر در قانون اساسی ج.ا.ا. از زمره حق های مطالبه ای هستند که دولت وظیفه حفظ و تامین آنها را بر عهده دارد:

امنیت جان (اصل ۲۲) امنیت حیثیت (اصل ۲۲) امنیت حقوق مادی مال (اصل ۲۲ و ۴۷ و ۴۶) امنیت حقوق مادی شغل (اصل ۲۲) امنیت مسکن (اصل ۲۲) امنیت خلوت و منع تجسس (اصل ۲۵) امنیت اقامت (اصل ۳۳) تضمین عام امنیت و در دسترس بودن دادگاه ها (اصل ۳۴) تضمین خاص امنیت و تسریع در تفهیم اتهام (اصل ۳۲) تضمین خاص امنیت و حق دفاع و انتخاب وکیل (اصل ۳۵) تضمین خاص امنیت و علنی بودن دادگاه ها (اصل ۱۶۵) تضمین خاص امنیت و امنیت متهم در مقابل فشارهای غیر قانونی (اصل ۳۸) تضمین خاص امنیت و منع هتک حرمت محکومین (اصل ۳۹) آزادی آموزش و پرورش (بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰) آموزش و پرورش رایگان و همگانی (بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰) تسهیل و تعمیم آموزش عالی (بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰) آزادی تجمعات و تظاهرات (اصل ۲۷) آزادی سازمان پیوندی (اصل ۲۶) حمایت از زنان (اصل ۲۱) حمایت از کودکان (بند ۲ اصل ۲۱) حق بر مسکن (اصل ۳۱) آزادی مطبوعات (اصل ۲۴) منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳) تامین اجتماعی

<sup>۵۲</sup> Campbell, Tom, **Rights: Critical Introduction**, London, Routledge, 2006

<sup>۵۳</sup> برای مثال دولت ایالات متحده آمریکا و آژانس امنیت ملی آن، سال ها بطور سازمان یافته و گسترده اقدام به شنود غیر قانونی مکالمات شهروندان می نمودند که این اقدام تنها پس از افشاگری های ادوارد اسنودن کارمند سابق آن سازمان به آگاهی شهروندان رسید.

<sup>۵۴</sup> در جایی که بر اساس قانون اساسی مجاز به وضع قواعد مادون قانون اما الزام آور هستند.

<sup>۵۵</sup> توجه به اینکه عمل وضع در زمره افعال قرار دارد.

<sup>۵۶</sup> برای نمونه بنگ: قاسمی، آراین، پیشین، ص ۲۱۷ به بعد

خطر است تجاوز از طرف قوه مقننه نیز خطر دیگری است که کمتر از اولی نیست زیرا قدرت سیاسی خواه بیک مستبد و دیکتاتور باشد و خواه بیک اکثریت تفاوتی ندارد و ماهیت قضیه را تغییر نمی دهد»<sup>۵۷</sup>.

شکل دوم رفتار مرتکب یا عنصر مادی در تحقق جرم نقض حقوق اساسی ملت، ترک فعل است که خود به دو صورت امکان پذیر است. صورت اول آن نقض صریح است، بسیاری از حقوق شهروندان در زمره حق-مصونیت<sup>۵۸</sup> قرار دارد<sup>۵۹</sup> و بدین ترتیب متضمن حمایت از ذی حق در مقابل اعمال دیگران و از جمله خود دولت‌ها هستند<sup>۶۰</sup> با این وجود اما ترک فعل در حمایت از این حقوق از سوی کارگزاران دولتی، متضمن جرم دانستن آن است. افزون بر چنین شکلی از نقض حقوق اساسی که مستقیماً توسط کارگزاران دولتی صورت می پذیرد، در دولت‌های غیر مردم‌سالار، نقض حقوق اساسی شهروندان از طریق ترک حمایت از این حقوق در قبال آنچه در ادبیات سیاسی خصوصاً اندیشه‌های هانا آرنست، تعبیر به "اوباش سیاسی" می‌شود نیز صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب اوباش سیاسی و گروه‌های فشار سطوح پایین‌تر مستقیماً اقدام به نقض حقوق اساسی شهروندان می‌نمایند اما کارگزاران حکومتی حامی آن‌ها اقدام به ترک فعل در حمایت از حقوق اساسی شهروندان می‌نمایند که باید آن را از زمره جرم نقض حقوق اساسی ملت از طریق ترک فعل ارزیابی نمود.

شکل دیگر ترک فعل در تحقق جرم نقض حقوق اساسی شهروندان، سوء استفاده مجرمانه از صلاحیت تشخیصی است. بدین ترتیب افزون بر نقض مستقیم حقوق، در مواردی اعمال یک حق یا تعلق آن، در صلاحیت (خصوصاً صلاحیت تشخیصی) مقامات دولتی قرار می‌گیرد، در چنین مواردی نیز در صورتی که مقامات دولتی بدون در نظر گرفتن مولفه‌های اخذ تصمیم اداری در خصوص صلاحیت تشخیصی، زمینه نقض حقوق اساسی شهروندان را فراهم آوردند باید چنین عملی را در زمره جرائم دانست. بدین ترتیب گونه آخر از اشکال ارتکاب این جرم «بی‌قانونی‌های دولتی به عنوان جرایم شغلی مراجع ذیصلاح حکومتی... (است)... این اصطلاح به اقدامات اشخاصی اشاره دارد که دارای قدرت قانونی برای اجرا (یا اتخاذ) تصمیمات خاص هستند. وقوع این جرایم به دلیل اشتغال عاملان آنها به کارهای دولتی و دسترسی به قدرت

<sup>۵۷</sup> طباطبایی مومنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۰، ص ۲۴۲

<sup>۵۸</sup> Immunity-Right

<sup>۵۹</sup> به نظر می‌رسد حقوق زیر در قانون اساسی ج.ا.ا از این دسته حقوق هستند:

امنیت حقوق مادی مال(اصل ۲۲ و ۴۷ و ۴۶) امنیت جان (اصل ۲۲) امنیت حیثیت(اصل ۲۲) امنیت حقوق مادی مال(اصل ۲۲ و ۴۷ و ۴۶) امنیت حقوق مادی شغل(اصل ۲۲) امنیت حقوق مادی شغل(اصل ۲۲) امنیت مسکن(اصل ۲۲) امنیت خلوت و منع تجسس(اصل ۲۵) امنیت اقامت(اصل ۳۳) تضمین خاص امنیت و اصل برائت(اصل ۳۷) تضمین خاص امنیت و حق دفاع و انتخاب و کیل(اصل ۳۵) آزادی کار(اصل ۲۸ و بند ۴ اصل ۴۳) آزادی آموزش و پرورش(بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰) منع کار اجباری(بند ۴ اصل ۴۳) نفی بهره کشی(بند ۴ اصل ۴۳) آزادی سازمان پیوندی(اصل ۲۶) آزادی تجمعات و تظاهرات(اصل ۲۷) منع تفتیش عقاید(اصل ۲۳) تضمین خاص امنیت و تسریع در تفهیم اتهام(اصل ۳۲) تضمین خاص امنیت و منع هتک حرمت محکومین(اصل ۳۹) تضمین خاص امنیت و امنیت متهم در مقابل فشارهای غیر قانونی(اصل ۳۸)

<sup>۶۰</sup> به تعبیر هوفلد «حق-مصونیت عبارتست از مصونیت داشتن در مقابل اعمال قدرت دیگران» بنگ:

قانونی که با ضمانت‌های اجرایی دولتی نیز همراه است امکان‌پذیر می‌شود»<sup>۶۱</sup>. توجه به این نکته از این جهت حائز اهمیت است که دو اصل بنیادین حاکم بر خدمات عمومی‌ای که توسط اداره (در معنای عام کلمه) صورت می‌گیرد "اصل بی طرفی در مقابل خدمت عمومی" و نیز "اصل برابری"<sup>۶۲</sup> در مقابل آن است که بر اساس اصل نخست، «هرگونه جانبداری که منجر به ایجاد تبعیض در انجام خدمات عمومی گردد ممنوع و مخالف اصل»<sup>۶۳</sup> است و بر مبنای اصل دیگر «همه اشخاص (باید) به طور مساوی و یکسان از منافع، مزایا و تکالیف ناشی از خدمات عمومی...»<sup>۶۴</sup> بهره‌مند گردند و توجه به قانون اساسی مبین آن است که همه شهروندان از حقوق یکسان برخوردارند. چنین استنباطی در قوانین دیگر کشورها نیز سابقه دارد «قانون‌گذار فرانسه، فصل دوم از عنوان سوم را در کتاب چهارم قانون جزای این کشور به تعدیات اداره عمومی توسط اشخاص عهده دار یک وظیفه عمومی اختصاص داده است که شباهت زیادی به فصل دهم و و سیزدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ دارد، به طوری که جرایمی همچون... سوء استفاده از قدرت علیه خصوصی‌ها (ماده ۴-۴۳۲) کسب غیرقانونی منفعت (ماده ۱۲-۴۳۲) و... می‌پردازد»<sup>۶۵</sup>.

## دریافت‌ها و رهیافت‌ها

کارکرد یا کارویژه اساسی و به تعبیری مشروعیت یک نظام سیاسی و حقوقی در آن است که بتواند به نحوه شایسته‌ای در عرصه قانون‌گذاری حقوق و آزادی‌های عمومی را تضمین نماید و در مقام دفاع از آنها سازوکارهای شایسته‌ای درون دستگاه عدالت کیفری اعم از سازوکارهای سازمانی و رفتاری در مواجهه با جرایم و یا بیرون آن ایجاد نماید. بسیاری از نظام‌های حقوقی کشورهای دنیا به تصویب و تقنین قوانین تسهیل یا تمهیدکننده اعمال حقوق و آزادی‌های عمومی دست زده‌اند و برای تضمین آنها نیز اقدام به وضع مقررات جزایی نموده‌اند. قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران هم به تبع شیوه رایج، هم بطور اختصاصی به جرم‌انگاری نقض برخی از حقوق و آزادی‌ها پرداخته است و هم بصورت عمومی "نقض حقوق و آزادی‌ها" را جرم‌انگاری نموده است که ماده ۵۷۰ ق.م.ا تضمین عام رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان از سوی مقامات و مامورین دولتی است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، با اصلاح انجام شده از سوی مقنن در ماده ۵۷۰ فوق‌الذکر، در سال ۱۳۸۱ اینک ماده یاد شده شامل تمامی افرادی که به نحوی در موضع قدرت عمومی یا تجلی آن قرار دارند می‌گردد که شامل مقامات و مامورین تمامی دستگاه‌های حکومتی اعم از نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی تا قضایی و غیر از آنهاست. بدون آنکه

<sup>۶۱</sup> آیان راس، جفری، **تحولات جرم سیاسی**، ترجمه حسین غلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱

<sup>۶۲</sup> برای آشنایی با این اصل بنگ: موسی زاده، ابراهیم، **حقوق اداری**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰

<sup>۶۳</sup> عباسی، بیژن، **حقوق اداری**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷

<sup>۶۴</sup> همان، ص ۱۷۵

<sup>۶۵</sup> زراعت، عباس و صفری، مجید، پیشین، صص ۲-۳

رابطه استخدامی و یا نوع آن در این مورد دارای اهمیت باشد بدین ترتیب حتی در صورتی که اشخاص بصورت داوطلبانه دست به همکاری با حکومت در اجرای نظم عمومی یا ارائه خدمت عمومی بزنند از آنجا که از موضع قدرت عمومی عمل می نمایند ملحق و وابسته به حکومت به حساب می آیند و مشمول ماده فوق می گردند.

از سوی دیگر، مقنن در ماده ۵۷۰ ق.م.ا از تعبیر «آزادی شخصی افراد ملت» استفاده نموده است که این تعبیر بر اساس طبقه بندی های متداول و کلاسیک حقوق و آزادی ها غیر معمول است، که به قرینه عبارت بعدی مقنن در کاربرد «حقوق مقرر در قانون اساسی» می توان قائل بر آن بود که شامل تمامی انواع حقوق و آزادی های مقرر در قانون اساسی می گردد نه فقط حقوق و آزادی های فردی، گرچه استفاده از چنین تعبیری از سوی مقنن می تواند زمینه تفاسیر منعطف و گاه به ضرر حقوق و آزادی ها را فراهم آورد. همچنین، علیرغم "امکان" تسری ماده به تمامی حقوق و آزادی های عمومی، سیاق نگارش ماده به نحوی است که تنها ناظر به حقوق اشخاص حقیقی است و شامل حقوق اشخاص حقوقی نمی گردد و به همین دلیل حقوق و آزادی های اشخاص حقوقی مندرج در قانون اساسی و یا برخی آزادی هایی که بواسطه قانون-گذاری عادی تنها در انحصار اعمال از سوی اشخاص حقوقی نظیر احزاب و ... قرار گرفته است در صورت نقض، قابلیت شمول ماده ۵۷۰ را ندارد.

ضمن آنکه، از یک سو می توان نظر داشت حقوق و آزادی های مندرج در قوانین عادی ناشی از قانون اساسی است و در مقام تسهیل یا تهמיד اجرای آنهاست، به همین دلیل به تبع حقوق و آزادی های مندرج قانون اساسی باید مورد احترام قرار گیرد لذا مشمول ماده فوق می گردد، اما از سوی دیگر بر اساس ظاهر ماده می توان نظر داشت که ظاهر، دلالت بر حقوق مندرج در قانون اساسی دارد و نه حقوق و آزادی های مقرر در قوانین عادی که چنین سیاق قانون نویسی می تواند زمینه تفسیرهای مورد گرا و تبعیض محور را فراهم آورد.

افزون بر آن، عنصر مادی جرم موضوع ماده ۵۷۰ ق.م.ا یا رفتار مرتکب در دو جلوه فعل و ترک فعل تحقق پذیر است. رفتار مرتکب از طریق فعل می تواند مبتنی بر نقض صریح حقوق و آزادی ها باشد بدین ترتیب که حقوق و آزادی های عمومی مستقیماً بر اثر رفتاری که مرتکب انجام می دهد مورد نقض و خدشه قرار گیرد و گاه نیز از طریق طراحی سامانه نظام مندی است که به نقض حقوق و آزادی های عمومی می انجامد. در شکل ترک فعل ممکن است صریحاً حقوق و یا آزادی هایی که متضمن حمایت مقامات و یا ماموران دولتی است مورد نقض قرار گیرد بدین ترتیب که این کارگزاران دولتی دست به ترک فعل در حمایت از حقوق و آزادی های عمومی می زنند. بعلاوه ممکن است در مواردی با سوء استفاده مجرمانه از صلاحیت تشخیصی زمینه نقض حقوق و آزادی های شهروندان فراهم آید.

در خصوص رهیافت ها اما، به طور کل می توان رهیافت های پژوهش حاضر را در دو دسته طبقه بندی نمود، دسته نخست شامل رهیافت های عمومی است که رعایت و تقویت آنها به رعایت حقوق اساسی شهروندان و بطور عام پیشگیری



از وقوع جرم کمک می نماید. در دسته نخست، لزوم توجه به حاکمیت قانون و آموزش مقامات، مسئولین و کارگزاران دولتی در خصوص مفهوم حاکمیت قانون و حقوق شهروندی در تقویت رعایت حقوق یاد شده موثر است. از سوی دیگر تقویت نهاد دادرسی اساسی و خصوصا استقرار اندیشه آزادی گرایی در این نهاد به منظور جلوگیری از نقض حقوق اساسی مقرر در قانون اساسی از طریق وضع قوانین مغایر با آن قانون و نیز تقویت جایگاه نظارت‌های قضایی و غیر قضایی (از جمله پارلمانی) بر مصوبات و آئین نامه‌ها سبب می گردد تا یکی از مهم‌ترین گونه‌های تحقق جرم نقض حقوق اساسی یعنی طراحی سامانه نظام‌مند تضییع حقوق شهروندان محدود شود. ضمن آنکه شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندها در جلوگیری از تعرض پنهانی به حقوق افراد و ارتکاب اعمال مجرمانه کمک می نماید. افزون بر آن، کارآمدسازی نظارت درون قوه‌ای و برون قوه‌ای به منظور بهبود اجرای قوانین حامی حقوق اساسی ملت نیز می تواند در پیش‌گیری از وقوع جرایم یاد شده موثر واقع شود. بعلاوه استقلال قاضی و قوه قضاییه در جلوگیری از اعمال نفوذ صاحبان قدرت در فرآیند رسیدگی به جرم در مورد خود یا افرادی با گرایش فکری-سیاسی مرتبط موثر است.

در سطح دوم، یعنی رهیافت‌های اختصاصی برآمده از پژوهش، به نظر می رسد که اصلاح مجدد ماده فوق و استفاده از تعبیر و دانش‌واژه‌های مصطلح در دانش حقوق اساسی می تواند زمینه رفع ابهام و جلوگیری از انعطاف در مقام تفسیر قضایی از ماده ۵۷۰ ق.م.ا را فراهم آورد. از سوی دیگر این اصلاح باید در زمینه تسری ماده به حقوق اساسی اشخاص حقوقی نیز معمول داشته شود. بدین ترتیب، قانون‌گذار می تواند ماده را به شکل زیر اصلاح نماید:

«هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و یا دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون اساسی، حقوق و آزادی‌های عمومی اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی را که به موجب قانون اساسی یا قوانین ناشی از آن برای آن‌ها مقرر گردیده است سلب، مخدوش و یا محدود نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت به مدت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد»

منابع

کتابها:

- ۱- امامی، محمد و استوارسنگری، کورش، **حقوق اداری**، جلد اول، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۰
- ۲- ایان راس، جفری، **تحولات جرم سیاسی**، ترجمه حسین غلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰
- ۳- تاموشات، کریستیان، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱
- ۴- زراعت، عباس، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۸۱
- ۵- شاکری، رضا و سیروس، قادر، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، تهران، نشر مهاجر، چاپ هشتم، ۱۳۸۹
- ۶- صالح ولیدی، محمد، **حقوق جزای اختصاصی جرایم علیه اشخاص**، جلد دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دهم، ۱۳۹۱
- ۷- طباطبایی موتمنی، منوچهر، **آزادی های عمومی و حقوق بشر**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۹۰
- ۸- عباسی، بیژن، **حقوق اداری**، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۹- عباسی، بیژن، **مبانی حقوق اساسی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- ۱۰- قاری سید فاطمی، سید محمد، **حقوق بشر در جهان معاصر**، جلد اول، تهران، مرکز چاپ و انتشار دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۲

- ۱۱- قاضی، ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران، انتشارات میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳
- ۱۲- قاضی، ابوالفضل، **بایسته های حقوق اساسی**، تهران، انتشارات میزان، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۴
- ۱۳- گرجی ازندریانی، علی اکبر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۱۴- گلدوزیان، ایرج، **محصای قانون مجازات اسلامی**، تهران، مجد، چاپ ششم، ۱۳۸۴
- ۱۵- گلدوزیان، ایرج، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۱
- ۱۶- موسی زاده، ابراهیم، **حقوق اداری**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۱
- ۱۷- موسی زاده، رضا، **حقوق اداری**، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹
- ۱۸- میرمحمد صادقی، حسین، **جرایم علیه اشخاص**، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۱۹- هاشمی، سیدمحمد، **حقوق بشر و آزادی های اساسی**، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴

مقالات و پایان نامه ها:

- ۲۰- زراعت، عباس و صفری، مجید، «مطالعه تطبیقی مفهوم دولت و ماموران دولتی در حقوق کیفری»، **آموزه های حقوق کیفری**، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۳-۲۲
- ۲۱- صالحی، جواد و جعفری پور، رحمت الله، «حقوق کیفری در چالش با تعدیات ماموران دولت»، **عدالت آراء**، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۷۸-۱۱۴
- ۲۲- قاسمی، آریز، **حق بر آزادی تجمع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۲

قوانین:

- ۲۳- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲
- ۲۴- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸
- ۲۵- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

لاتین:

26- Campbell, Tom, **Rights: Critical Introduction**, London, Routledge, 2006

27- Hohfeld, Wesley, **Fundamental Legal Conceptions as Applied in Judicial Reasoning**, New Haven, Yale University Press, 1919